

قانون اصول محاکمات جزائی

واستر داد مجرمین

(دعوی خصوصی)

۱ - اقامه دعوی خصوصی در دادگاه جزا

شاکی خصوصی حق دارد برای مطالبه خسارت حاصل از جرم بدادگاه جزا مراجعه نموده درخواست رسیدگی کند بدون تفضای متضرر از جرم دادگاه نمی تواند ولو اینکه موضوع از لحاظ جنبه عمومی مطرح باشد بدعوی شخصی نیز رسیدگی کند.

اقامه دعوی شخصی پسند طریق ممکن بوده که با رعایت شرایط قانونی آثاری بر آن مترتب میگردد.

ترتیب شکایت

شاکی خصوصی می تواند قبل از اقامه دعوی عمومی و یا ضمن آن مستقیماً برای مطالبه خسارت بمقامات جزائی شکایت کند.

اگر موقع شکایت متضرر از جرم دعوی عمومی هنوز اقامه نشده باشد شکایت مزبور آنرا تحریک نموده و مدعی - العموم را مجبور بمقیب جنبه عمومی جرم میکند در محکمه جزائیز از لحاظ اینکه دعوی شخصی فرع بر دعوی عمومی است ابتدا بجنبه عمومی جرم رسیدگی شده سپس نسبت بدعوی شخصی حکم صادر میگردد.

در صورتیکه جرم از درجه خلاف و جنبه باشد شاکی خصوصی میتواند مستقیماً از مسئول خسارت در دادگاه جزا شکایت نموده عرضحال تقدیم کند - عرضحال باید شامل اسم و اسم پدر و محل اقامت خود و متهم باشد.

در مورد جنایت چون قبل از محاکمه بایستی تحقیقات مقدماتی بعمل آید لذا شاکی نمیتواند مستقیماً بدادگاه مراجعه کند. در این مورد و در سایر موارد شاکی میتواند نزد مستنطق دعوی خسارت را تعقیب کند. قانون در صورت شکایت متضرر از جرم مستنطق را مکلف بشروع در تحقیقات نموده میگوید (شکایات برای شروع در تحقیقات کافی است نه مستنطق می تواند در این مورد استنکاف از تحقیقات نمایند مدعی العموم) (ماده ۶۳)

شاکی حق دارد ضمن اقامه دعوی عمومی از طرف مدعی العموم نیز بمقامات جزائی شکایت کند ولی قانون این حق شاکی را محدود کرده و طبق آن اگر کسی تا جلسه اول محاکمه جزائی ادعای خصوصی نماید دیگر ادعای او در محکمه جزا پذیرفته نمیشود. دلیل این امر اینست اگر شکایت شاکی خصوصی در هر مرحله و دوره از محاکمه ممکن بود بحق مدعی علیه در دفع از خود لطمه وارد مینمود مثلاً اگر شاکی میتواند در محکمه استیناف برای اولین مرتبه شکایت کند متهم را از حق دفاع از خود در دادگاه بدوی محروم میکرد.

شروط تعقیب خصوصی در دادگاه جزا

امکان دعوی خصوصی در دادگاه جزا مقرون به دو

شرط است:

احراز صلاحیت دادگاه جزا برای رسیدگی

بدعوی عمومی و صدور حکم محکومیت متهم از لحاظ جنبه عمومی جرم.

الف - صلاحیت دادگاه جزا

اصولا رسیدگی بدعوی خصوصی فرع بر دعوی عمومی محسوب میشود و دادگاه جزا وقتی می تواند بجنبه خصوصی جرم رسیدگی کند که نسبت بجنبه عمومی آن نیز صلاحیت داشته باشد بنا بر این اگر دادگاه فاقد صلاحیت رسیدگی بجنبه عمومی جرم باشد نمیتواند نسبت به جنبه خصوصی آن نیز اقدامی بعمل آورد.

اگر عدم صلاحیت دادگاه جزا نسبت بدعوی عمومی قبل از تعقیب دعوی شخصی تحقق پیدا کند در اینصورت دادگاه جزا صلاحیت رسیدگی بجنبه خصوصی جرم را نداشته و شاکی میتواند برای ایفاء حق خود فقط به دادگاه حقوق مراجعه کند.

عدم صلاحیت محکمه جزا ممکن است ضمن جریان دعوی و پس از شکایت زیان دیده ظاهر گردد مثلا در اثناء محاکمه جزائی متهم فوت و با عفو عمومی اعلان می شود آیا در اینصورت پس از سقوط دعوی عمومی دادگاه جزا می تواند نسبت به جنبه خصوصی جرم رسیدگی کرده حکم دهد ؟

بعضی از دانشمندان معتقدند که دیگر دادگاه جزا صلاحیت رسیدگی بدعوی خصوصی را نداشته و شاکی باید بدادگاه حقوق مراجعه کند. ولی بهتر اینست که قائل بتفصیل شویم: اگر دادگاه بدوی راجع بماهیت دعوی حکمی صادر کرده و موجبات سقوط دعوی عمومی در مرحله استینافی حاصل گردد محکمه جزا نسبت بدعوی خصوصی صلاحیت خود را حفظ میکند. ولی اگر موجبات سقوط دعوی عمومی در مرحله بدوی و قبل از صدور حکم ماهوی تحقق پیدا کند در این حال دیگر دادگاه جزا حق رسیدگی بجنبه خصوصی را نخواهد داشت.

علت فرق بین این دو حالت اینست که در صورت اول اگر قائل بعدم صلاحیت دادگاه شویم شاکی خصوصی را از

حق شکایت استینافی خود محروم می کنیم در صورتیکه در حالت دوم عدم صلاحیت دادگاه جزا هیچگونه حقی را از متهم نفیست نموده و او میتواند بدادگاه حقوق مراجعه کند.

ب - صدور حکم محکومیت

امکان رسیدگی و صدور حکم نسبت بدعوی خصوصی مشروط بر اینست که دادگاه عمل انسابی به متهم را که موجب خسارت شاکی شده جرم شناخته و او را مجرم تشخیص دهد.

بنا بر این اگر پس از رسیدگی بواسطه کافی نبودن دلایل برای اثبات اصل وقوع جرم یا ارتکاب و دخالت شخص متهم برائت او اعلام گردد دادگاه دیگر نمی تواند نسبت بدعوی خصوصی رسیدگی کرده حکمی دهد ولی شاکی خصوصی میتواند در این موارد برای ایفاء حق خود بدادگاه حقوق مراجعه کند.

ماده ۱۳ قانون اصول محاکمات جزا در اینخصوص چنین میگوید: چون رسیدگی بدعوی خصوصی در محاکم جزا فرع بر دعوی عمومی است پس از صدور حکم در برائت ذمه متهم محکمه جزا دیگر نمیتواند دعوی خصوصی را تعقیب نماید ولی مدعی خصوصی در این موارد میتواند بمحکمه حقوق رجوع نموده ضرر و زیان خود را مطالبه کند.

ممکن است توهم و اشکال شود که حکم برائت مستلزم بطلان دعوی خصوصی بوده و رجوع بعدی شاکی خصوصی بدادگاه حقوق دیگر موضوعی نداشته و آثاری بر آن مترتب نخواهد شد.

برای رفع این اشکال و توهم باید قائل بتفکیک شد: اگر دادگاه جزا حکم بعدم ثبوت ارتکاب اصل عمل از مدعی علیه صادر کند در اینصورت دعوی خصوصی نیز از بین رفته و اگر شاکی بدادگاه حقوق مراجعه کند دادگاه باید حکم بغیر قابل استماع بودن دعوی صادر کند زیرا حکم بعدم ثبوت ارتکاب بالتبع مستلزم عدم ثبوت دعوی خسارت بوده و بعبارت دیگر دادگاه جزا ضمن انشاء حکم بر برائت مدعی علیه حکم ببیخبری مدعی خصوصی نیز کرده است.